

## متن پرسش

عرض سلام و ادب و احترام خدمت استاد گرامی: سوالی از حضور شما داشتم. بنده چند سالی لیاقت و سعادت داشتم ایام فاطمیه مجلس عزای خانم حضرت زهرا (س) رو در منزلمون برگزار می کردم. پارسال از خانم خواستم به من لطفی کنند و مزد کنیزی من فرزندی سالم و صالح روزی من کنند. با توسل به خانم حضرت زهرا (س) از خدا فرزندی سالم و صالح خواستم و بعد از ایام فاطمیه متوجه شدم باردار هستم و بسیار خوشحال شدم که خانم مزد کنیزی من رو عنایت فرمودند. و فرزندی که در وجودم رشد می کرد رو هدیه خانم می دونستم. در تمام دوره بارداری به اهل بیت و اولیا از جمله سید هاشم حداد و شهدا با خواندن قرآن و صلوات و هدیه به آن وجود های مقدس، متوسل شدم تا فرزندم سالم باشد چرا که من بابت بیماری های فرزند اولم سختی زیادی کشیدم. من مطمئن بودم که خانم و اهل بیت دست من را می گیرند. اما متأسفانه بعد از به دنیا آمدن فرزندم متوجه شدم بیماری قلبی و همچنین بیماری خونی نادری دارد. و مجددا مشکلات و سختی های من شروع شد. من اصلاً فکر نمی کردم با وجود این همه توسلات و توجهاتی که به اهل بیت (ع) داشتم فرزندم بیماری داشته باشد و متأسفانه کمی از اهل بیت (ع) دلسرد شدم. من خالصانه و مخلصانه از حضرت زهرا (س) خواستم و ایمان داشتم هدیه ایشان سالم خواهد بود اما متأسفانه نبود و نا امید شدم. امسال همسرم از من میخواد مثل هر سال برای حضرت زهرا (س) مجالس عزا برگزار کنیم اما من دلم راضی نمی شود. حس می کنم برای ایشان بی ارزش هستم. چرا خانم مزد من را این طور دادند؟ مگر از حضرت بچه سالم خواستن چه چیز زیادی بود که حاجت من را ندادند؟ از شما می خواهم کمک کنید تا رابطه ام با اهل بیت (ع) مثل سابق بشود. چرا اهل بیت (ع) و اولیا و شهدا با وجود این همه توسل، به من و حاجت من توجه نکردند و فرزند من با این همه بیماری به دنیا آمد؟ حکمت چیست؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا ما باید برای خدا و اولیاء الهی تکلیف معلوم کنیم؟! در حالی که آن ها مصالح ما را بهتر از ما می دانند. وقتی به هر بهانه ای از جمله تشکیل جلسه ی فاطمیّه، خود را به آن ذوات مقدس نزدیک کنیم، نسبت به آنچه تقدیر ما است در انجام وظیفه، سربلند خواهیم بود.